انترناسیونال 801

**گفتگو با محمد آسنگران در باره "بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان"**

**خلیل کیوان:** شنبه هفته گذشته، 7 بهمن 1397 برابر با 27 ژانویه، چهار حزب و جریان سیاسی کردستان از جمله کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بیانیه مشترکی تحت عنوان "بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان" منتشر کردند. ضرورت انتشار این بیانیه چیست و چه روندی طی شد تا همنظری لازم و بدنبال آن چنین توافقی حاصل شود؟

**محمد آسنگران:** همچنانکه در مقدمه بیانیه آمده است فضای سیاسی ایران از دی ماه ٩٦ وارد فاز جدیدی شده است و همه نیروهای مدعی قدرت در حال آماده کردن خود برای شکل دادن به آلترناتیو مورد نظرشان برای جانشینی جمهوری اسلامی هستند. کردستان که محل فعالیت این نیروهای چپ و کمونیست است طبیعی است که تلاش کنند با قدرت و کارایی بسیار بیشتری در فضای سیاسی ایفای نقش کنند. همچنانکه جنبشها و احزاب رنگارنگ طبقات دیگر همین کار را میکنند.

پروسه ای که این بیانیه و توافق، نتیجه آن بود پروسه ای دوستانه و بسیار صمیمانه و با حس همکاری و درک متقابل و هم جهتی بالا بود. این نیروها در عین حال که از یک پیشینه تاریخی مشترک می آیند در پروسه مبارزه سیاسی سه دهه اخیر تفاوتها و اختلافات سیاسی معینی آنها را از هم جدا کرده بود. اما با گذشت زمان هم جامعه متحول شد و هم این نیروها متحول شدند. کسی که اندک شناختی از گذشته سه دهه قبل این جریانات داشته باشد متوجه خواهد شد که همه آنها افت و خیزهایی را از سر گذرانده و گرایشات ناخالصی از همه آنها فاصله گرفته اند. این فاکتور بعلاوه فاکتور تحول جامعه و رادیکالیزه شدن جنبشهای اعتراضی و عروج جنبش کارگری در ایران به عنوان جنبشی قدرتمند و موثر باعث شده است که نیاز به نزدیکی و همکاری آنها را بیش از پیش روی میز همه آنها قرار بدهد.

در حقیقت این نزدیکی و بیانیه مشترک پاسخی به نیاز جامعه امروز است نه محدود به تمایلات وحدت طلبانه اقشار و گرایشات وحدت طلب. زیرا گرایش به وحدت همیشه در میان اقشار و گرایشات معینی در جامعه موجود بوده و هست. اما آنچه این نزدیکی و بیانیه مورد بحث نتیجه آن شده است پاسخ به یک نیاز واقعی جامعه بوده است.

**خلیل کیوان:** نکات متعددی در بیانیه آمده است؛ از جمله اینکه صف بندی نیروهای چپ و راست در ایران و در کردستان روشن و شفاف شده است. بر این زمینه از دو افق و دو آینده در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی برای کردستان صحبت میشود؛ یکی حکومت فدراتیو متکی بر پارلمان، و دیگری حکومت شورایی متکی بر اراده مردم. موقعیت هر کدام از این دو نیرو و این دو افق و دو آلترناتیو در کردستان را چگونه می بینید؟

**محمد آسنگران:** واقعیت این است که در کردستان دو جنبش اجتماعی و دارای پیشینه و سوابق تاریخی موجود بوده و این دو جنبش در مقابل جمهوری اسلامی خود را تعریف کرده اند. احزاب متعددی از این جنبشها سر بر آورده اند. نمایندگان سیاسی جنبش ناسیونالیستی و جنبش کمونیستی در کردستان هم اکنون چندین حزب و گروه هستند که تلاش میکنند افق و آرمان این دو جنبش را بر اساس منافع طبقاتی متفاوتشان در جامعه گسترش بدهند.

احزاب جنبش ناسیونالیستی با طرح فدرالی کردن جامعه و تشکیل حکومتی محلی اتکایش به قدرتهای منطقه ای و جهانی است و تلاش میکنند در چهارچوب سیاست این قدرتها به نان و نوایی برسند و الگوی آنها حکومتی از نوع حکومت منطقه ای کردستان عراق است.

برخلاف این افق و سیاست، جریانات چپ و کمونیست کردستان خود را نماینده سیاسی و زبان گویای جنبش کارگری و اقشار تحت ستم جامعه میدانند و طرح فدرالیستی جریانات بورژوا ناسیونالیست را به ضرر جامعه و باعث تفرقه میدانند. ما عیقا معتقدیم که طرح فدرالی کردن جامعه باعث تفرقه و حتی جنگهای قومی و ملی میشود و اختلاف جریانات ناسیونالیست را تا سر حد پاکسازی قومی میتواند پیش ببرد. زیرا در اولین قدم فدرالی کردن جامعه دعوا بر سر مرز کردستان و آذربایجان در استان آذربایجان غربی شروع میشود. دعوا بر سر تعیین مرز کردستان و مردم منتسب به ملیتهای دیگر در جنوب غربی ایران شروع میشود. همین یک قلم کافی است که دشمنان مردم از چنین شرایطی برخوردار بشوند تا جنگهای قومی را باد بزنند و با شکست تلاش مردم برای رهایی کل جامعه را مرعوب و متفرق کنند.

علاوه بر این ما تجربه شکست خورده فدرالیسم قومی در کردستان عراق را داریم که حتی مبتکرین این طرح در کردستان عراق بارها اعلام کرده اند که طرحشان شکست خورده است. علیرغم اینکه دولت مرکزی در بخش عمده کردستان عراق حاکمیتی ندارد اما همچنان مسئله کرد به عنوان یک مسئله لاینحل باقی مانده است. این روند در کردستان عراق اکنون به عنوان یک فاکت موجود است که تفرقه قومی را بیش از پیش باد زده است.

ما برخلاف سیاست و دیدگاه جریانات ناسیونالیست کرد به یک روند طبیعی و واقعی در جامعه متکی هستیم و آن هم تقویت همبستگی مبارزاتی مردم کردستان با بقیه مردم ایران است. زیرا همین حالا رابطه تنگا تنگ مبارزات مردم کردستان با بقیه مردم ایران امری انکار ناپذیر است و تفرقه قومی پدیده ای چشمگیر در جامعه نیست. حتی جایی که بطور ضعیف هم این فرهنگ تفرقه را شاهد هستیم ناشی از تبلیغات جریانات قومی و ناسیونالیست است. اگر نه مردم کردستان پیوندی تاریخی و سیاسی و مبارزاتی عمیق با بقیه مردم ایران دارند. به همین دلیل ما اعمال اراده مستقیم همه شهروندان کردستان را به عنوان بخشی از حکومت شورایی سراسری در ایران میدانیم. از نظر ما شوراهای مردم امروز به عنوان ارگان مبارزه و فردای پس از جمهوری اسلامی به عنوان ارگان اعمال اراده مستقیم شهروندان مناسبترین و پیشروترین شکل دخالت مردم در اداره جامعه است.

واضح است که رفع ستم ملی از نظر ما به معنی رسمیت یافتن حقوق مساوی و قانونی همه شهروندان است و حل مسئله کرد هم با رجوع به آرا مردم برای جدایی یا ماندن در چهار چون جغرافیای موجود عملی است. ناسیونالیستها با طرح فدرالی کردن جامعه میخواهند با حفظ و تقویت احساس قومی و ملی این پدیده را همچنان به عنوان یک بستر سهیم شدن در قدرت برای خود نگهدارند. برخلاف آنها سیاست ما کمونیستها حل این مشکل و تمام شدن این احساس قومی و ملی در میان مردم است و تلاش میکنیم احساس انسانی و همبستگی طبقاتی را تقویت کنیم.

علاوه بر این جنبش سوسیالیستی از نظر من روندی بالنده و رو به جلو داشته و دارد. زیرا این جنبش بخشی از جنبش طبقه کارگر است که ریشه در دنیای مدرن امروز و در مناسبات تولیدی امروز جامعه سرمایه داری دارد و هدفش نفی مناسبات تولیدی حاکم است. برخلاف جنبش ناسیونالیستی که جنبشی دست ساز و فقط یک ایدئولوژی ساخته شده بوسیله جریانات قومی و ناسیونالیست است که با استفاده از آن بتوانند جنبش قومی و ملی را خلق کنند و برای سهیم شدن خود در قدرت به ادامه مناسبات تولیدی سرمایه دارانه کمک نمایند. به همین دلیل ما تاکید کرده ایم که این جنبش و سیاست و طرحهای احزاب منبعث از آن مایه تفرقه در میان مردم و توجیه کننده سیستم نابرابر جامعه موجود است.

**خلیل کیوان:** بیانیه همچنین به نقش قدرت های جهانی و منطقه ای در تاثیر گذاری بر صف بندی نیروها در کرستان میپردازد. با توجه به اینکه نیروهای بورژوا\_ناسیونالیست از پشتیبانی سیاسی و مادی قدرت های جهانی و دول منطقه برخوردارند، با تاثیرات مخرب آنها چگونه مقابله میکنید؟

**محمد آسنگران:** مهمترین سلاح ما کمونیستها اتحاد مردم و نقش رهبری کننده و تعیین کننده جنبش کارگری در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و حاشیه ای کردن دیگر جنبشهای طبقات دارا از جمله جنبش ناسیونالیستی و احزاب منبعث از آن است. اما رسیدن به این امر فقط با وجود جامعه ای سازمان یافته و متحد ممکن است که احزاب کمونیست بتوانند با اتکا به آرا شهروندان سکان هدایت شوراها و اداره جامعه را بدست بگیرند. هستند کسانیکه فکر میکنند با مسلح شدن و قدرت اسلحه میتوان به این هدف رسید. اما من علیرغم تاکید به داشتن نیروی مسلح تحت نظارت شوراهای مردم، فکر میکنم تنها راه پیروزی قطعی کمونیستها از مسیر مردم سازمان یافته در شوراها و انتخاب رهبران و کادرهای کمونیست در راس شوراها است که این مسئله را میتواند تضمین کند. احزاب کمونیست برای عملی کردن سیاست خود راهی بجز به میدان آوردن قدرت توده کارگر و زحمتکش ندارد.

**خلیل کیوان:** چه اقدامات و برنامه هایی برای هماهنگی و همکاری های بیشتر در جهتی که بیانیه روشن کرده است در دستور دارید؟

**محمد آسنگران:** ما در یک بند از بیانیه تاکید کرده ایم که مکانیسمی بوجود خواهیم آورد که بتواند فعالیت هماهنگ و مشترک این احزاب را در کردستان پیش ببرد. ما توافق داریم که در کردستان زیر یک چتر واحد برای اجرایی مفاد این بیانیه فعالیت بکنیم. اما فراتر از این بیانیه ما تلاش میکنیم که مطالبات محوری مردم را در یک پلاتفرم عملی بیان و دست بکار اجرای آنها بشویم. امیدوارم این پروسه با سرعت بیشتری عملی بشود. معلوم است بعد از سالها جدایی و فاصله این جریانات با همدیگر پروسه نزدیکیشان ابتدا با موانعی ذهنی مواجه است و این موانع اگر بتواند زودتر برطرف بشود، که امیدوارم چنین باشد، پروسه اجرایی کردن سیاستهای مشترک راحت تر از آنچه تصور میشود ممکن میگردد. اما مهمترین فاکتور برای سرعت بخشیدن به این پروسه اوضاع سیاسی ایران است. به هر نسبتی که فضای رادیکال و چپ در جنبشهای اعتراضی پررنگ و قوی باشد به همان اندازه سرعت این همکاری و نزدیکی بیشتر خواهد بود.

\*\*\*\*\*